

حکمتیست هفتگی پیشاپیش فرارسیدن سال نو میلادی

را به خوانندگانش تبریک می گوید

بوقت اطلاع عموم شماره آتی حکمتیست، هفتم ژانویه ۲۰۱۷ منتشر خواهد شد.

حکمتیست هفتگی ۱۴۳۳

۲۶ دسامبر ۲۰۱۶ - ۶ دی ۱۳۹۵

دوشنبه ها منتشر میشود

اعمال تروریستی علیه حزب دموکرات کردستان

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۲

در حاشیه سقوط هواپیمای

نظامی روسی تریا شوای صفحه ۴



احمدی نژاد. اما حالا چه؟

جمهور اسلامی در منطقه ای بزرگ از سوریه و عراق تا یمن درگیر جنگهای خودش است.

سازمانهای عریض الطویل حزب الله لبنان، حشداشعبی

عراق، حوثی های یمن و غیره

را تسلیح و تغذیه می کند و

کرور کرور دارایی های مملکت

را صرف جنگهایش می کند.

از دستمزد کارگر و نان سفره

مردم زحمتکش و معلم و

کارمند می زند تا بودجه کلان

جنگ ها و نیروهای نظامی و

امنیتی اش در داخل و خارج را

تامین کند. اما نه قدرقدرتی

جمهوری اسلامی در منطقه

خاورمیانه و نه افزایش ۶۰

درصدی بودجه نظامی دردی از

این رژیم را درمان نمی کند.

میلیتاریسم و جنگ های

جمهوری اسلامی نه تنها نقطه

قدرت این رژیم در مقابل مردم

ایران نیست، بلکه می تواند

به نقطه ضعف آن در مقابل

طبقه کارگر و میلیون ها بیکار

و زنان و جوانان و زحمتکشان

دستفروش و تن فروشان و ...

تبدیل شود. جمهوری اسلامی اگر در حلب بر ویرانه های شهر و جنازه های کودکان و مردم این شهر جشن پیروزی برپا می کند، اما می تواند و باید در جنگ و جدال طبقاتی در ایران و در مقابل ده ها میلیون خانواده کارگر و زحمتکش پشتش به خاک مالیده شود. کیست نداند که تنها بخشی از مخارج جنگهای این رژیم و حیف و میل دارایی های مملکت برای افزایش دستمزد کارگران بر اساس نیاز خانواده هایشان و بر اساس تورم و گرانی کافی است. تنها بخشی از این مخارج جنایاتش علیه بشریت در منطقه، برای پرداخت بیمه بیکاری به ده میلیون کارگر و جوان تحصیلکرده بیکار و تاملین رفاهیاتشان کافی است... ص ۳

جنگ ما

اینجاست!

مظفر مهمری

مساله دستمزدها و فصل دستمزدها یکی از مهم ترین عرصه های جدال طبقه کارگر و بورژوازی و دولتش در ایران است. این یک جدال واقعی و همیشگی است. اما بورژوازی و جمهوری اسلامی ایران همیشه می خواسته و میخواهد این موضوع را با توجیها و بهانه های گوناگون زیر فرش کند و اگر نتوانست به تهدید متوسل می شود. اما نباید تسلیم شد و نباید رضایت داد.

زمانی گفتند وضع اقتصادی خراب است، کارخانه ها یکی پس از دیگری ورشکسته می شوند، تحریمیم و یا هر کس گناه بچاپ بچاپ دارایی های مملکت را برعهده دیگری انداخت. احمدی نژاد برعهده قبلیش و روحانی برعهده

حکمتیست میپرسد

امان کفا

حکمتیست: به دنبال لشکرکشی و تصرف حلب توسط دولت اسد، همزمان در خارج کشور نیز تحرکات و تظاهرات هایی علیه آن به راه افتاده است. نظر شما در مورد این تحرکات چیست؟

امان کفا: انهدام خانه و مدرسه و بیمارستان، کشتار مردم در کوچه و خیابان، وهزاران جنایت دیگر توسط گروه ها و باندهای تروریستی قومی، مذهبی، دولتی و غیر دولتی، در سوریه و در این رابطه مشخصا در حلب، نه امروز بلکه چند سال است که در جریان است. جنایات این نیروها، جدا از اختلافاتی که با هم دارند و یا نامی که بر خود نهاده اند، نتیجه ای جز از هم پاشیدگی کل شیرازه جامعه نداشته است. شکی نیست که انهدام جامعه در این سطح گسترده و آنهم برای چند سال متوالی، بدون پشتیبانی مالی و نظامی وسیع تر دول درگیر در منطقه و حامیان بین المللی آنها، ممکن نبوده و نیست. واقعا کیست که نداند جنگ خانمانسوزی که در سوریه در جریان است، کوچکترین ربطی به مبارزات مردم سوریه، برای رهایی از شرایط فلاکت بار و دستیابی به دنیای بهتر ندارد؟ کیست که نداند دستجات تروریستی از داعش تا النصره، محصول ساخت و پاخت آمریکا نبوده و از حمایت های مالی و نظامی عربستان و ترکیه برخوردار نبوده است؟ ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

اعمال تروریستی علیه حزب دموکرات کردستان

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

بر اساس اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان، شامگاه سه شنبه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶ دو انفجار در نزدیکی مقر دفتر سیاسی این حزب در شهر "کوی سنجق" در استان اربیل روی داده است و متأسفانه در این ماجرا ۶ نفر جان خود را از دست داده و چهار نفر زخمی شده‌اند. تا کنون هیچ دولت و جریانی مسئولیت این انفجارها را به عهده نگرفته و رهبری حزب دمکرات هم در این زمینه اطلاعات بیشتری منتشر نکرده است.

مسلم است که در این عمل تروریستی انگشت اتهام را باید به سمت جمهوری اسلامی نشانده رفت. حاکمیتی که علاوه بر تهدیدات دوره اخیر علیه جریانات اپوزیسیون خود در کردستان عراق، در طول حیاتش هزاران تحرک تروریستی و اعمال جنایتکارانه علیه مخالفین خود چه در داخل ایران و چه خارج از مرزهای این کشور سازمان داده است.

همزمان حاکمین اقلیم کردستان در قبال امنیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق مسئولند. آنها در زدوبند با دولت‌های مرتجع منطقه، کردستان عراق را به جولانگاه انواع باندهای تروریست و جاسوسی آنها و در راسشان جمهوری اسلامی و ترکیه کرده‌اند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکومیت این عمل تروریستی، از این واقعه ابراز تاسف میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۲ دسامبر ۲۰۱۶

جنگ و چه صلح کوتاه مدت بین این باندها دولتی و غیردولتی را داشته باشند و بتوانند در هرکجا که خود امن می‌دانند، سکونت کنند. تضمین چنین راه نجاتی در همین شرایط امروز و با همین توازن قوای موجود، کاملاً میسر است. فشار به دولت‌ها در این راستا میتواند از کشتار وسیع این مردم، جلوگیری کند. در غیر اینصورت و در غیاب تامین چنین امکانی، مردم این منطقه چه در شهرهای محاصره شده، و چه در کمپ‌های آوارگانی که بر تعدادشان روز به روز افزوده می‌شود، کماکان در معرض خطر و به گروگان گرفته شدن این باندها قرار خواهند گرفت.

اجرای چنین خواسته‌ای توسط همین مردم ممکن نیست. ولی آنچه که مسلماً امکان‌پذیر است، آنچه که مردم انسان دوست در همین سوئد و انگلیس و اروپا به وضوح از آن دفاع کرده‌اند، این است که این مردم جنگ زده امکان داشته باشند که از این صحنه جنگ رهایی یابند. اگر امروز توان و نیروی متشکل این مردم برای پایان دادن قطعی و دائمی به چنین جنگ و مصیب‌های ناشی از آن در خاورمیانه ممکن نیست، اما مسلماً می‌شود به دولت‌های درگیر در این جنگ فشار آورد تا اجازه خروج امن این مردم از میدان جنگ را فراهم کنند. این مردم بایستی حق فرار از این جهنم (چه

حکمتیست میپرسد ...

و یا کیست که نداند، جناح مخالف، ارتش سوریه و گروه‌ها و باندهای جانی همراهش، مورد حمایت روسیه و ایران و حزب الله نبوده و نیست؟ واقعا کیست که نداند که این جنگ، نه امروز بلکه از همان ابتدای شروعش، تنها و تنها علامت بیان خصمانه و نظامی تقابل جناح‌های بورژوا - امپریالیستی بوده است و پیروزی و یا شکست هر کدام از این جناح‌ها، منجر به کوچک‌ترین بهبودی در زندگی و معیشت مردم سوریه نخواهد شد؟

این‌ها فرضیاتی است که حتی "متخصصین و کارشناسان" میدیای بورژوازی به آن اذعان داشته‌اند. البته این نهادها، بسته به وابستگی‌های سیاسی شان، به پخش اخبار و رپرتاژ از جنایت یکی از این جناح‌ها مشغول بودند. امروز که اخبار حاکی از پیروزی نظامی جناح روسی - سوری - ایران در حلب است، میدیای غربی دست به افشاکاری از جنایات آنان زده است. در عین حال، این فضا به نیروهای "مغلوب" در غرب فرصتی داده است تا باز هم با همان پرچم "دفاع از مردم حلب" گردهم آیند. تظاهرات‌های اخیر در سوئد و انگلیس، بخشی از این صف‌آرایی است، و به همان اندازه به دفاع واقعی از مردم حلب مربوط است که افسیون‌ها و گردهم‌آیی‌های سابق از این، در دفاع از اسد و "حق" انتخاب مردم سوریه "علیه نیروهای داعش به بهبود زندگی آن مردم مربوط بود.

نیروهای ناسیونالیست دو آتشه ضد اسد و اسلام‌یون ضد روس، حضور داشتند. اینها بخشی از همان جنبشی هستند که کل جنایات علیه مردم را به رژیم اسد منتسب می‌

کنند و طرف دیگر جنگ را، آمریکا و عربستان و ترکیه را، بیگناه جلوه می‌دهند. جالب اینکه در میان این جماعت، هم پیمانان ایرانی پرو ناتوی نیز شرکت داشتند! همان‌هایی که تا دیروز، حضور فعالشان در این صفوف را به بهانه مخالفت با جمهوری اسلامی توجیه می‌کردند! اینها از همان جنبشی هستند که دیروز به کف زدن و هورا هورا کردن و پشتیبانی از ارتش آزادیبخش سوریه، در واقع با مواضعی پرو ناتوی، از ته قلب به تحقق "بعد از سوریه نوبت ایران است" امید بسته بودند.

نه اینگونه افسیون‌ها، و نه شوهای تبلیغاتی طرفداران اسد با پخش تصاویر شور شوق مردم حلب، هیچکدام به منظور نجات مردم سوریه علیه این جنگ خانمان سوز نبوده و نیست. هیچ چیز مشمئزکننده از این درجه دورویی نیست. تنها در عرض همین چند هفته اخیر، کمی آنطرف تر حلب، جمعیتی میلیونی در شهر موصل گرفتار و در اسارت همین نیروها قرار گرفته‌اند. در آنجا نیز، هفت کشور متحداً بر سر مردم بمب می‌ریزند، و ارتش و باندهای تروریستی دوباره بنام "نجات مردم موصل"، به کشتار و جنایت مشغولند. نباید به سیاه لشکر هیچکدام از این دو "جناح" تبدیل شد. برای هر انسانی که از این همه مصیبت و کشتار و ترور عاصی شده است، برای هر آنکه راه حل مناسب و سیاسی، برای نجات مردم از این میدان جنگ را دنبال می‌کند، راه دیگری ممکن است. راه و سیاستی که خواهان تامین حق زندگی مردم با خروج کامل این باندها و دستجات و ارتش‌ها از میدان‌های جنگی است. اما قدر مسلم، و در حالیکه این مردم از همه طرف به گروگان گرفته شده‌اند،

جنگ ما اینجا است ...

امسال باید دستمزدها متناسب با نیاز خانواده کارگر و تورم و گرانی افزایش پیدا کند. باید به ده میلیون بیکار و فارغ التحصیل دانشگاه‌ها یا شغل مناسب یا بیمه بیکاری مکفی پرداخت گردد. صف بندی طبقه کارگر یعنی اتحادش و تعیین نمایندگی سراسری واقعی و منتخب کارگران مراکز اصلی کار برای مذاکره و چانه زنی با کارفرماها و بدون دخالت دولت، می‌تواند توازن قوای طبقاتی را به نفع طبقه کارگر در این جدال تغییر دهد.

جمهوری اسلامی هر اندازه قدرتمند و دخیل در جنگهای منطقه‌ای، اما در مقابل صفوف بهم فشرده طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه توان و قدرت مقابله نخواهد داشت. در ایران نه از حزب الله و نه حشداشعبی و نه حوثی‌ها خبری هست. ایران مملکتی است با ده‌ها میلیون کارگر شاغل و بیکار، میلیون‌ها معلم و کارمند و جوان تحصیلکرده بدون شغل و بدون آینده و ده‌ها میلیون زن تشنه آزادی و برابری. تنها قدرت بورژوازی و دولت‌ش سرکوب است. اما سرکوب ده‌ها میلیون انسان کارگر و زحمتکش و معلم و بیکار و تحصیلکرده و دستفروش و حاشیه‌نشینان شهرها، برای جمهوری اسلامی قدرتمند در منطقه، نه آسان است و نه ممکن. در این جنگ و جدال طبقاتی نیروی طبقه ما و صف عظیم انسان‌های خواهان رفاه و معیشت و امنیت و حرمت بسیار بیشتر و قوی‌تر است. اما در همه جنگ‌ها چه نظامی، چه سیاسی و چه اقتصادی، اتحاد و

انسجام و سازمان برنده است. طبقه کارگر ایران می‌تواند و باید این اتحاد و انسجام و سازمان را تامین کند و به دست آورد. این آمادگی می‌تواند سرنوشت این جنگ و جدال طبقاتی را به نفع طبقه کارگر و محرومان جامعه تعیین کند! دستمزدها و فصل دستمزدها یکی از عرصه‌های این جدال طبقاتی است. خواست شغل و یا بیمه بیکاری مکفی به همه بیکاران عرصه‌ای دیگر است. در این مبارزه طبقاتی طبقه کارگر تنها نیست. در اعماق جامعه ایران خواست و ارزوی خوشبختی و رفاه و آزادی می‌جوشد. امید به زندگی بهتر و دنیای بهتر می‌جوشد.

جمهوری اسلامی تنها بر فریب و در انتظار نگه داشتن مزدبگیران و محرومان و سرکوب و به استیصال و تباهی کشاندن جامعه سرمایه‌گذاری کرده و سر پا است. فعالین و رهبران طبقه کارگر و مردم زحمتکش و در میان اقشار گوناگون و از جمله دانشجویان و روشنفکران مترقی جامعه، می‌توانند و باید چراغ راهنما و اتکای امیدبخش توده‌های عظیم انسانهای خواهان رفاه و معیشت و آزادی باشند. باید لشکرهای طبقه کارگر، زحمتکشان تنگدست، حقوق‌بگیران جزو و زنان تشنه برابری، زیر چتر اتحاد و سازمان و شبکه‌های اجتماعی گسترده سازمان‌یابند. سازمان‌های علنی و صف بندی‌های عظیمی که یقه کارفرماها و دولت و غاصبان ثروت‌های جامعه را گرفته و حقوق و رفاه و آزادی خود را از گلویشان بیرون می‌کشند. این جنگ و جدال،

روزمره در جریان است. دستگاه‌های عریض و طویل تحقیق و فریب بورژوازی و مذهبی و مدام به مغزشویی و در انتظار نگه داشتن و فریب مشغولند. بورژوازی و دولت جمهوری اسلامی هر بار با پوشیدن لباس و نقابی مثل عدالتخواهی نوع احمدی نژادی و وعده‌های فریب‌نده دولت روحانی تلاش می‌کنند جامعه را ساکت و تسلیم نگه دارند. هر جا این تیغ نبرید، به سرکوب‌عریان و تعقیب و زندان‌فعالین و سخنگویان کارگران و مردم متوسل می‌شوند. و برای ارباب جامعه دسته‌دسته انسان‌ها را چه در صفوف آزادیخواهان و حق‌طلبان و چه در صفوف قربانیان فساد و اعتیاد و فحشا در ملاعام تیرباران می‌کنند.

اما بورژوازی حاکم ایران در مقابل خواست و امید پیروزی طبقه کارگر و مطالبات و رفاهیات و موج آزادیخواهی و برابری طلبی نمی‌تواند دوام بیاورد. تنها راه تداوم توحش و به فقر و فلاکت کشاندن جامعه، حربه و ابزار تحقیق و فریب و انتظار و ترس و ارباب است. و این نمی‌تواند ازلی و ابدی باشد. اگر طبقه کارگر اراده کند و به مثابه یک طبقه نه این و آن صنف به میدان بیاید، اگر دانشگاه و دانشجویان اراده کنند به مثابه سخنگویان آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسان سازمان‌یابند و به میدان بیایند، اگر معلمان، پرستاران، زحمتکشان حاشیه شهرها، تن‌فروشان که یک موی شان به همه بورژوازی‌های مفتخور و مبلغان مذهبی و ملی‌گرایان آریایی شرف دارد و می‌ارزد...، اگر این لشکرهای عظیم انسان‌های تشنه رفاه و خوشبختی و

آزادی و برابری اراده کنند و به میدان بیایند و یک صف شوند، نه جمهوری اسلامی و کل میلیتاریسم اش و نه ابزارهای تحقیق و فریبش پیشیزی نمی‌ارزند و ناکارا می‌شوند. این را تاریخ به اثبات رسانده است.

در این جنگ طبقاتی ما باید پیروز شویم. ما باید تلاش کنیم پیروز شویم. راه دیگری نیست. میلیون‌ها انسان کارگر و مزدبگیر و بیکار و بی‌مزد و تحقیر شده، بیش از سه دهه است، تاوان سنگینی پرداخته است. الان زمان گرفتن همه آن مطالباتی است که این همه سال از ما گرفته شده و از آن محروم بودیم. می‌توان گرفت. می‌توان در این جدال پیروز شد. جنگ ما اینجا است. جنگ نان، جنگ رفاه و معیشت و امنیت و آزادی و برابری. جنگ ما نه در سوریه است و نه عراق و نه یمن و لبنان. ما نه می‌خواهیم گوشت دم توپ این جنگ‌های بورژوازی‌ها و مرتجع بین‌المللی و منطقه‌ای باشیم، نه می‌خواهیم نان سفره مان را به یغمای این جنگ‌ها بسپرنند. ما می‌توانیم تکلیف سرنوشت خود و خانواده و فرزندانمان را در همین جا تعیین کنیم.

اگر ما به میدان بیاییم و گلوی کارفرماها و سرمایه‌داران و تجار مفتخور و دزد و دولتشان را بفشاریم شاید مردم منطقه هم نفس راحتی بکشند و شاید درد خانه خرابی و کشتارشان کم‌تر شود. ما باید در این جنگ و جدال طبقاتی و اجتماعی و انسانی در همین مملکت و شهر و محله و کارخانه و دانشگاه و مدارس اش، پیروز شویم.

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

در حاشیه سقوط هواپیمای نظامی روسی

ثریا شهابی



سقوط هواپیمای نظامی روسیه، امروز ۲۶ دسامبر در دریای سیاه و در مسیر مسکو به لاذقیه (در سوریه)، اپیزود جدیدی از خطر گسترش صف بندی های مخرب جهانی را در مقابل چشم همگان گذاشته است.

این پرواز، که گفته میشود برای اجرای مراسم کریسمس برای نیروهای نظامی روسی در سوریه به پرواز درآمده بود، سقوط و کشته شدن همه ۹۲ تن سرنشینان آن، میتواند ناشی از مشکل فنی بوده باشد یا عاملینی در صف میلیتاریستی مقابل، هم پیمانان و عوامل ناتو، صف مخالفین موقعیت جدید روسیه در سوریه، آن را بوجود آورده باشند. دولت روسیه، فعلا این سقوط را، "تا اطلاع ثانوی و تحقیقات بیشتر، ناشی از مشکل فنی" اعلام کرده است.

اگر این سقوط، نه حادثه که حمله ای سازمان یافته و عمدی بوده باشد، تصور اینکه وزارت های جنگ قطب های امپریالیستی و متحدین آنها، اروپا و آمریکا، همچون خود دولت روسیه، فعلا و تا تجهیز خود برای مقابله با عواقب آن، عمدی بودن آن را پرده پوشی کنند، سخت نیست. تشخیص جنبه های فنی این سقوط، طبعاً کار متخصص های فنی است. اما توان قدرت های حاکم در بسته نگاه داشتن دروازه سانسور اطلاعاتی، حتی در میان مدت، یک مشکل واقعی همه دولت های در قدرت است. به هر حال این سقوط عمدی بوده باشد یا غیر عمدی، بازتاب فوری سیاسی و نظامی آن، مستقیماً به سوریه و حلب، به مردم خاورمیانه و فراریان از

باطلاق آن، اصابت میکند. این حادثه و عملیات تروریستی ۱۹ دسامبر در بازار کریسمس در برلین، که موجب قتل حداقل ۱۲ نفر از مردم بی گناه و زخمی کردن ۵۰ نفر شد، عملیاتی که داعش مسئولیت آن را بعهدہ گرفته است و آن را عملیات تلافی جوانه "از دست دادن حلب" اعلام کرده است، جایگاه روسیه و کیس حلب، در صف بندی های میلیتاریستی جهان را نشان میدهد.

داعش، نیرویی بورژوا - امپریالیستی و از محصولات مستقیم بورژوازی غرب و متحدین سنتی دولت های غربی است. نیرویی که توسط مافیای رسانه ای بورژوازی غرب، عملیات ضد انسانی و تروریستی اش در اروپا برچسب تروریست میگیرد! اما در سوریه و خاورمیانه بر سینه آنها مدال "جنگجویان"، "شورشیان ضد دولتی" و "دولت اسلامی" زده میشود و بمب گذاری و عملیات تروریستی شان در خاورمیانه نام "جنگ" و "مبارزه" و "شورش" میگیرد. ریاکاری علنی، وقیحانه و مشتمزه کننده دستگاه مغزشویی بورژوازی، اعجاب آور است!

آنچه که عیان است این واقعیت است که: دورنمای ادامه و گسترش جدال مخرب و تروریستی قطب های اصلی بورژوا - امپریالیستی جهانی و متحدین شان در منطقه، چون ترکیه و عربستان و ایران و سوریه و قطر و اسرائیل، هدیه حاکمین جنایتکار جهانی برای سال جدید است! از ترامپ و پوتین، از روحانی و خامنه ای تا هیئت های حاکمه در انگلیس و

قدرت های حاکم در کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی، تلاش میکنند که شهروندان و محکومین اسیر و گرفتار تحت حاکمیت شان را، در این جدال مخرب و ارتجاعی جهانی، به دنبال خود و در حمایت از دولت خودی، به صف کنند. تلاش میکنند که شهروندان جهان را پشت منافع بورژوازی خودی، با پرچم دفاع از منافع ملی و قومی و مذهبی، به جنگ رویارویی با یکدیگر بکشانند!

تا جایی که به زندگی و امنیت مردم منطقه خاورمیانه، اروپا و جهان، مربوط است، تاثیر سقوط هواپیمای نظامی روسیه، عمدی بوده باشد یا غیرعمدی، بلافاصله فراتر از کشته شدن ۹۲ نفر و تاثیر آن بر بازماندگان این حادثه است. فی الحال در روسیه، فضایی از قدوسیت بر فراز سر نیروهای نظامی آن، تب ناسیونالیستی و حمایت از ارتش براه افتاده است تا طبقه کارگر و مردم محروم این کشور را در مقابل دولت خودی کاملاً به تسلیم بشکانند و پشت ماشین جنگی خود، به صف کنند.

این روند اما، در خلا صورت نمی گیرد.

جهان در مقطع سال نو میلادی، تنها صحنه عملیات تروریستی داعش و دولت های آمریکا و انگلیس و روسیه و میوه چینی های تروریستی ایران و ترکیه و عربستان و اسرائیل نیست. فشار اعتراضات، اعتصابات، نارضایتی ساختار شکنانه و بی اعتمادی به سیستم، فلج دولت ها و احزاب پارلمانی، از آمریکا تا اروپا، جوامع غربی را به آستانه انفجار کشانده است.

بی اعتباری ساختار سیاسی و پارلمان و احزاب سنتی پارلمانی در غرب، موج وسیع اعتراضات در کشورهای منطقه، ترکیه و ایران و اسرائیل و عراق، میدان دخالت وسیعی برای مقابله باز کرده است. طبقه کارگر و مردم محروم،

کمونیسم و سوسیالیسم، ایدئولوژی آسمانه و وحی هیچ خداوندی نیست.
کمونیسم، جنبش اجتماعه طبقه کارگر برای برابری ورهائیه انسان از همه قید و بندهای نظام سرمایه داری است!

شماره ۱۳۳ حزب حکمتیست

حزب حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!